



چرا و چگونه کاخ سفید عرصه خصومت با ایران را به زمین فوتبال هم کشاند؟

جام دشمنی!



سرمقاله

کرد. از چنین رژیمی می‌توان توقع داشت که روح ورزش و جوانمردی و عدالت را بفهمد و رعایت کند؟! این برخوردها و رفتارهای ضدورزشی و حتی ضدانسانی از سوی دولت آمریکا و البته سکوت و همراهی بی‌شرمانه فیفا با آن، چیزی غریب نیست. آمریکا روز نهم اسفند آمده بود که طی چند روز جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند و حالا تیم ملی همین کشور در قلب آمریکا حضور داشت، پرچم پرافتخارش در اهتزاز بود و قهرمانان ایرانی، به نمایندگی از ۹۰ میلیون نفر، دست بر سینه داشتند و در خاک دشمن می‌خواندند: «شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادتان، پاینده مانی و جاودان، جمهوری اسلامی ایران!»

موضوع ورزش نبود، اما مرز استانداردهای دوگانه در این زمینه را به شکلی جدی جابه‌جا کرد. آمریکا با رفتاری خصمانه که پیش از اعزام تیم ملی نیز شروع شده بود، نشان داد که حد و مرزی برای دشمنی نمی‌شناسد و از اینکه زمین چمن فوتبال و جام جهانی را هم به ابزاری برای کینه‌ورزی و خبائت تبدیل کند، ابایی ندارد. البته که این موضوع برای ما عجیب و غریب نیست. این همان آمریکایی است که روز اول جنگ و تنها چند ساعت پس از حمله وحشیانه به مدرسه میناب، یک سالن ورزشی در لامرد را هدف آزمایش یک موشک جدید قرار داد و پیراثر این حمله، ۲۱ ورزشکار دختر را قتل عام کرد و صد تن را مجروح

ملی ایران یکی از تیم‌های حاضر در جام جهانی اخیر بود که با شرایط خاص و متفاوت، با همه تیم‌های دیگر، پا به این عرصه نهاد. آن‌ها در حالی راهی این میدان شدند که کشور در میانه جنگ بود و، از قضا، در یک پدیده بی‌سابقه، میزبان جام، کشوری است که به ایران حمله کرده بود. غربی‌ها همیشه شعار جدایی سیاست از ورزش را سر داده‌اند و طی چند دهه اخیر فشارهای زیادی را در عرصه‌های مختلف ورزشی به ایران وارد کرده‌اند. به چه بهانه‌ای؟ به بهانه جدایی سیاست از ورزش! رفتاری که دولت آمریکا، به عنوان یکی از سه میزبان جام جهانی ۲۰۲۶، با تیم ملی ایران انجام داد، اگرچه اولین مورد از برخوردهای دوگانه غرب با

فوتبال همیشه چیزی بیش از یک ورزش بوده است. چیز عجیبی هم نیست. امری که توجه بخش بزرگی از دنیا را به خود جلب کند، در حالی که رقابت بر سر «توجه» تبدیل به مرکز تلاش‌های جهانی در اغلب عرصه‌ها شده است، قطعاً محدود به زمین چمن و سکوهای ورزشگاه نیست و نمی‌ماند. یکی از دلایل مهم سرمایه‌گذاری سنگین بسیاری از کشورها روی فوتبال، چه در سطح باشگاهی و چه ملی، در همین واقعیت نهفته است. در این میان، جام جهانی در صدر و مرکز این پدیده است. همه کشورها سعی دارند خود را به این رقابت مهم چهارساله برسانند و کارنامه‌ای قابل توجه و درخشان در این میدان از خود بر جای بگذارند. تیم

آخرین صحبت یک **هموطن ایرانی** خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

پرکنیم؛ تا هر کس به این میدان نگاه کرد، ببیند که ما یتیم شده‌ایم، اما وارث اراده‌ای شده‌ایم که حتی مرگ هم نتوانست متوقفش کند و در غیاب آن کوه استوار، کمر خم نکردیم بلکه استواری را از او آموختیم. دلتنگیم، اما استوارتر از هر زمان.

آقا جان دلتنگ توایم اما می‌دانم این دلتنگی، نباید به «ضعف» تبدیل شود. باید تبدیل به «قدرت» شود. درست است... جایتان بسیار خالی است، اما اراده‌تان درگ‌های ما جاری است. پیمان می‌بندیم که این جای خالی را با «ایستادگی»



اعتراف

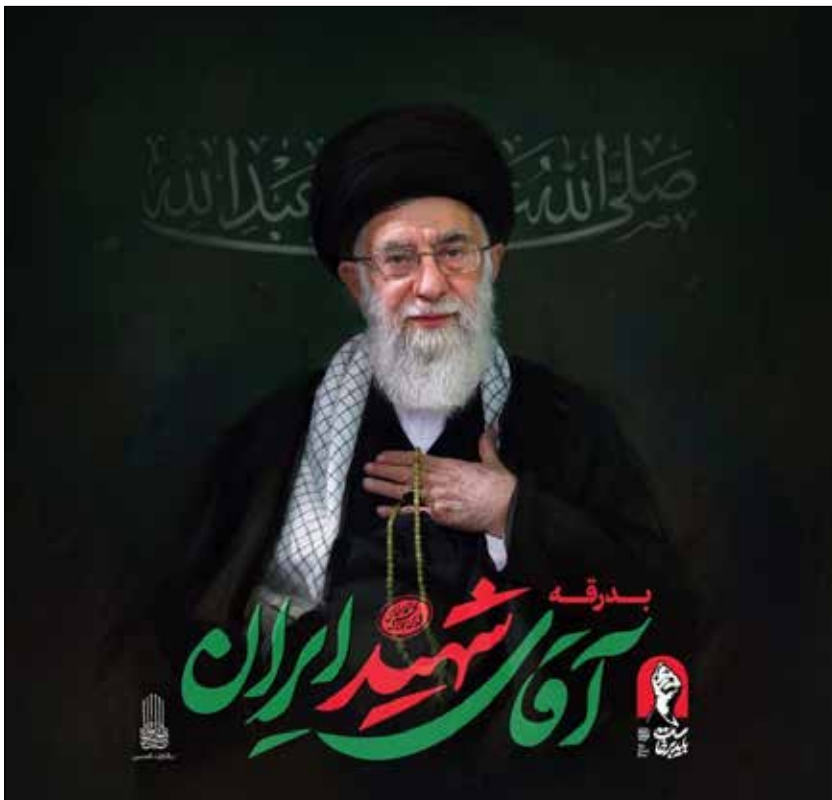
کوری استراتژیک آمریکا در جنگ ۴۰ روزه

پایگاه خبری دیفنس وان در گزارشی نوشته است که جنگ چهل‌روزه علیه ایران نشان داد آمریکا در دستیابی به اهداف راهبردی ناکام مانده است. واشنگتن موفقیت را با شاخص‌هایی مانند تعداد حملات، سورتی‌های پروازی و حذف فرماندهان ارزیابی می‌کند، اما این دستاوردها به پیروزی سیاسی و تثبیت موقعیت آمریکا منجر نشده است. این رسانه از اصطلاح «کوری استراتژیک» برای توصیف شکست آمریکا در این جنگ استفاده کرده است. تحلیل این رسانه بر یکی از مهم‌ترین ضعف‌های سیاست خارجی آمریکا تأکید دارد: غلبه نگاه عملیاتی بر تفکر راهبردی. در واقع، عملیات نظامی زمانی ارزشمند است که بتواند موازنه سیاسی را تغییر دهد؛ موضوعی که در این جنگ محقق نشد. نه تنها آزادی عمل آمریکا محدودتر شد، بلکه هزینه‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک آن نیز افزایش یافت و اعتبار بازدارندگی واشنگتن با پرسش‌های جدی روبه‌رو شد. از سوی دیگر، نادیده گرفتن منافع و نگرانی‌های شرکا، اعتماد متحدان به آمریکا را کاهش داده و می‌تواند در بحران‌های آینده، انسجام ائتلاف‌های تحت‌رهبری آمریکا را بیش از پیش تضعیف کند. این همان «کوری استراتژیک» است؛ وضعیتی که در آن برتری‌های مقطعی جایگزین شکست‌های راهبردی می‌شود.

آخرین خبر

بدرقه آقای شهید ایران

بنابر اطلاعیه رسانه رسمی ستاد تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب مراسم وداع در مصلاي امام خميني (ره) از ساعت ۶ صبح روز شنبه ۱۳ تیر ماه الی اذان مغرب روز یک شنبه ۱۴ تیرماه و مراسم تشییع تهران از ساعت ۶ صبح دوشنبه ۱۵ تیرماه برگزار می‌گردد.



جنگ منطقه‌ای

شکاف روی دیوار اعتماد

جنگ تحمیلی سوم بر دیوار بلند اعتماد حکام کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به آمریکا ترک انداخت. آنها امنیت ملی خود را بر پایه حضور پایگاه‌های آمریکایی بنا کرده بودند و تصور می‌کردند این تکیه‌گاه ضامن ثبات و بقای آنان خواهد بود. اما جنگ اخیر نشان داد اولویت اصلی واشنگتن نه امنیت دولت‌های عربی، بلکه حفاظت از منافع خودرژیم صهیونیستی است. تبدیل شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا به بخشی از معادله جنگ، این پرسش را در پایتخت‌های عربی پرنگ‌تر کرد که آیا این حضور خارجی واقعاً امنیت می‌آورد یا خود به منبع تهدید تبدیل شده است. واکنش محتاطانه بسیاری از دولت‌های خلیج فارس و تلاش آنان برای جلوگیری از گسترش جنگ، نشانه‌ای از همین نگرانی بود. در سطح افکار عمومی نیز شکاف عمیق‌تری پدیدار شد. برخلاف روایت رسمی برخی دولت‌ها، بخش قابل توجهی از مردم منطقه نگاه همدلانه‌ای به جمهوری اسلامی ایران نشان دادند. بازداشت فعالان حامی ایران و فلسطین در برخی کشورهای عربی، گواهِ فاصله میان دولت‌ها و افکار عمومی است. شاید مهم‌ترین میراث این جنگ آن باشد که بسیاری از دولت‌های عربی دریافتند امنیت خریدنی نیست و اتکای مطلق به قدرت‌های خارجی، دیواری است که نخستین ترک‌های آن آشکار شده است.